

بررسی چرایی رویگردانی چهره‌های مطرح ایالات متحده از حضور در انتخابات ریاست جمهوری در گفت و گوی آفتاب یزد با جعفر قنادباشی:

نخبگان آمریکایی از پشت پرده‌های انتخابات ریاست جمهوری می‌ترسند!

آفتاب یزد – رضا بردستانی: انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا (United States presidential election) ۲۰۲۰ (۲۰۲۰) برای ۳ نوامبر ۲۰۲۰ مصادف با ۱۳ آبان ۱۳۹۹ برنامهریزی شده تا پنجاه و نهمین انتخابات چهار سال یک بار ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا برای انتخاب رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به همراه معاون او برگزار شود. رأی دهندگان در این انتخابات که در ۱۴ دسامبر ۲۰۲۰ برابر با ۲۳ آذرماه ۱۳۹۹ برگزار می‌شود، رئیس‌جمهور جدید و معاون رئیس‌جمهور را یا رئیس‌جمهور فعلی را انتخاب می‌کنند – در صورتی که هیچ‌کاندیدایی نتواند حداقل ۲۷۰ رأی انتخاباتی برای برنده شدن در این انتخابات به دست آورد، مجلس نمایندگان ایالات متحده رئیس‌جمهور را انتخاب خواهد کرد و سنای ایالات متحده معاون رئیس‌جمهور را برمی‌گزیند –احتمال دارد که مجموعه‌ای از انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری در طی شش ماه اول سال ۲۰۲۰ برگزار شود. روند نامزدی در انتخابات آمریکا غیرمستقیم است، به این شکل که رای‌دهندگان به فهرستی از نامزدهای حزبی برای ارائه به کنوانسیون رأی می‌دهند و در کنوانسیون نامزد منتخب حزب برای ریاست جمهوری انتخاب می‌شود.

تا این لحظه، حضور دونالد ترامپ(۷۳ ساله) – رئیس‌جمهور فعلی –، ویلیام فلوید ولد معروف به بیل ولد(۷۴ ساله) – وکیل و سیاستمدار –، باب کورکر (۶۷ ساله) – سناتور –، لری هوگن(۶۳ ساله) – فرماندار مریلند و نامزد جمهوری خواهان در انتخابات ۱۹۹۲–، جان کیسیک (۶۷ ساله) –فرماندار پیشین اوهایو – که تماماً جمهوری خواه هستند تقریباً قطعی است. از میان دموکرات‌ها می‌توان به کسانی چون جو بایدن(۷۷ ساله) –معاون سابق باراک اوباما–، مایکل بلومبرگ (۷۷ ساله) – شهردار سابق نیویورک –، برنی سندرز(۷۸ ساله) – عضو مجلس سنمای آمریکا –، کاملا هریس (۶۵ ساله) – دادستان –، الیزابت وارن (۷۰ساله)–عضو کنگره–و ۱۶۰ چهره ی دیگر اشاره کرد که هنوز در مراحل مقدماتی رقابت‌های انتخاباتی به سر می‌برند و اما رئیس‌جمهور دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه، که در سال ۲۰۱۶ انتخاب شد، متقاضی انتخاب مجدد برای دوره دوم است. برنده انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ کارش را آغاز خواهد نمود.

با نگاهی به نامزدها و سن و سال اکثریت آن‌ها، متوجه دو موضوع خیلی مهم می‌شویم؛ رویگردانی جوانان و نخبگان از حتی حضور در رقابت‌های ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در یک بررسی اجمالی، در انتخابات ۲۰۱۶ رقیب اصلی ترامپ کسی نبود مگر هیلاری کلینتون. در انتخابات ۲۰۱۲ اوباما و میت رامنی با وجود فراخندن در رقابت با ترامپ در ۲۰۰۸ جان مک کین رئیس‌جمهوری خواه نتوانست از پس اوبامای دموکرات بر آید همانطور که در انتخابات ۲۰۰۴، جان کری دموکرات شکست مقابل جورج دبلیو بوش را پذیرفت. جورج دبلیو بوش در انتخابات ۲۰۰۰ لا گور را هم از جناح دموکرات شکست داده بود و این دست به دست شدن قدرت میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها همواره ادامه داشته است و اما حرف و حدیث‌ها، روایت‌های رفتاری دونالد ترامپ، شرایط حساس ایالات متحده آمریکا و نیز درگیری چندجانبه آمریکا در اقصی نقاط جهان و مهم شدن کشمکش میان تهران و واشینگتن، همه ی نگاه‌ها را به سمت انتخاباتی روانه کرده است که پاییز سال آینده باید برگزار شود.

ترامپ اگرچه از چند ماه دیگر – در ماه ۱۳۹۸ – آخرین سال ریاست جمهوری خود را آغاز می‌کند اما در مدت زمان طی شده – به اصطلاح – هرگز روزگار آرامی‌را در کاخ سفید سپری نکرد! موضوعاتی همچون دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، تأثیرگذاری پوتین بر نتیجه انتخاباتی که به پیروزی دونالد ترامپ منتهی شد، کشمکش‌های پایان‌ناپذیر آمریکا با کره شمالی، ایران، چین، اتحادیه اروپا و در رأس آن آلمان؛ چالش‌های عجیب و غریب در منطقه خاورمیانه و آفریقا و خروج یک سوبه از بسیاری از پیمان‌نامه‌های بین المللی از جمله پیمان پاریس و برخی پیمان‌نامه‌های نظامی، درگیری‌های شدید با برخی رسانه‌ها ز جمله سی‌ان‌ان، و رفتارهای عجیب و غریبی که جامعه فریخته و نخبه آمریکا را همچنان مهیوت نگاه داشته است و…

مجموعه عوامل برشمرده شده، حکایت از آن دارد که انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا طبیعتاً با دیگر انتخابات در این سرزمین تفاوت‌هایی دارد. در همه سال‌هایی که دونالد ترامپ ساکن کاخ سفید بوده است همواره سایه سنگین استیضاح و برکناری، کناره‌گیری، دخالت و سنسنگ اندازی‌های کنگره، مشکلات عدیده مالیاتی، اظهارنظرات نژاد پرستانه، برخی پرونده‌های بی سابقه در مورد رییس‌جمهوری آمریکا از جمله پرونده‌هایی که بوی رسوایی‌های اخلاقی می‌دهد، و مواردی از این دست روی سر ترامپ سنگینی می‌کرده است؛ سازهایی که تحلیلگران را بر آن داشته تا حتی به انتخاب نشدن مجدد ترامپ نیز بیاندیشند. و اما موضوعی که ما به دنبال آن هستیم موضوعی است که می‌تواند به فرار نخبگان و جوانان نخبه از میدان انتخابات تغییر شود. با این مقدمه و توضیح، سوالات خود را از دکتر قنادباشی مطرح کرده‌ایم.

❏ انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا با دیگر انتخابات در ایالات متحده آمریکا چه تفاوت اصلی و اساسی دارد؟

قناد باشی: یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های این انتخابات با دیگر انتخابات ایالات متحده آمریکا بر می‌گردد به نقش و تأثیرات آقای ترامپ بر جامعه آمریکا. اگر به دو دوره اوباما و ترامپ نظری کوتاه بیفکنیم خواهیم دید که ترامپ حرف تازه‌ای برای مطرح کردن نداشتن بلکه در ادامه شعارهای آقای اوباما به جای تأکید بر «تغییر» بر «بازگشت به شکوه گذشته» و «قدرتمندتر بودن آمریکا» دست گذار و اما وقتی دید قرار نیست شکوهی به آمریکا بازگردانده شود با یک عقب نشینی آشکار! این بار شعار «حفظ عظمت آمریکا» را برگزید اما در واقع باید گفت نه شعارهای آقای اوباما و نه شعارهای آقای ترامپ هیچ کدام نتوانست جامعه ی آمریکایی را به یک تعادل مطلوب حتی نزدیک کند!

اوباما اولین رنگین پوستی بود که در دوران معاصر ساکن کاخ سفید شد پس باید پذیرفت با نگاهی به یک خلاّ توانست رأی جمع کند، ترامپ هم همینطور! او نیز در نقطه ی مقابل به عنوان یک آمریکایی سفید پوست توانست ملی گراهای آمریکایی را گرد خود جمع کند اما در نهایت نه آن شعارهای مسالمت آمیز و نه این شعارهای قدرت طلبانه، هیچکدام نتوانست چیزی را در اندکان آمریکایی‌ها تغییر دهد.

در سال‌های گذشته رؤسای جمهوری ایالات متحده آمریکا با نگاهی به شرق و با تکیه بر حربه ی دشمنن هراسی می‌توانستند آرایی را برای خودشان جلب کنند حالا هم می‌بینیم اگرچه ترامپ شعار بازگشت به شکوه آمریکایی و حفظ عظمت آمریکا را مطرح می‌کند اما در نهایت او نیز مانند گذشتگان با تمام این دچار کشمکش جهانی است و با همه جهان سر جنگ دارا گویی آمریکا به دوران پس از جنگ‌های جهانی بازگشته است. آن چه مشخص بااید مورد آقای ترامپ صدق می‌کند آن است که او فقط توانسته، روحیه ی ملی گرایی را در آمریکایی‌ها برانگیزاند و تقویت کند. حمله به مهاجران، سنسختگیری در پذیرش میهمانان جدید، بد رفتاری با رنگین پوستان و مواردی از این دست از جمله کارهایی است که ترامپ برای پیشبرد اهداف خود انجام داده است.

در جریان انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا شاید بارزترین دوگانه ای که پیش روی مردم آمریکا قرار دارد، شعارهای ترامپ، رویه‌های ترامپ و نظریه‌های ترامپ در مورد بازگرداندن شکوه و عظمت به آمریکا و برانگیختن یک نوع حس ناسیونالیستی در مردم آمریکا است، البته، ناسیونالیسم نه به معنای واقعی بلکه یک نوع آمریکا محوری در تمام دنیا که بر گرفته از خودمحوری ترامپ در نوع عملکرد است. جریان دیگری که در این انتخابات می‌تواند تعیین کننده باشد، شکاف ایجاد شده بین جامعه آمریکایی است. ترامپ دست روی مسئله‌ای گذاشته است که به واقع مسئله اصلی آمریکایی‌ها نیستست زیرا؛ بسیاری از گروه‌هایی که در آمریکا زندگی می‌کنند دیگر به عنوان غیر آمریکایی و مهاجر شناخته نمی‌شوند! برخی دهها سال قبله با آمریکا‌هایی ناس گرفته‌اند و آخت شده‌اند. منظور از شکاف ایجاد شده بین جامعه آمریکایی، ناس گرفته رنگین‌پوستان، مهاجران، جامعه بزرگ مسلمانان و… از رویه ای است که می‌تواند نوعی اختلاف و شکاف در این

جامعه را رشد دهد. به واقع می‌توان گفت اصلی ترین تفاوت انتخابات ۲۰۲۰ با دیگر انتخابات در آمریکا حضور ترامپ، تفکرات ترامپ، و ایده‌هایی است که جامعه آمریکایی را دچار تردید خواهد کرد؛ به معنایی ساده تر؛ بلاکلیفی آمریکایی‌ها، در انتخاب آمریکای با ترامپ یا انتخاب آمریکای بدون ترامپ است!

❏ ما در ایالات متحده آمریکا با یک نوع رقابت سنتی بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان روبرو هستیم که از گذشته وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت و در مورد ترامپ موضوع اندکی متفاوت است به گونه‌ای که می‌بینیم رئیس‌جمهور فعلی آمریکا با گذشت حدود سه سال از انتخابات به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی ایالات متحده آمریکا همچنان مشغول پاسخگویی به چالش‌هایی است که از هر دو سو ایجاد می‌شود. به یک تعبير می‌توان گفت طی سه سال گذشته به موجب قانون نتیجه انتخابات و شمارش آراء، ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا بوده است اما با توجه به انبوهی از چالش‌ها، درگیری‌ها و اختلاف نظر‌ها که همواره بحث‌هایی نظیر استیضاح، کناره‌گیری و برکناری ترامپ از مقام ریاست جمهوری مطرح بود، آمریکا را می‌توان فاکتد رئیس‌جمهور دانست. در کنار این‌س موضوع، دموکرات‌ها به عنوان رقیب سنتی جمهوريوخوان با کسب اکثریت قابل قبول در کنگره عرصه را بیش از همیشه بر ترامپ تنگ کرد. با آمدن نانسی پولوسی این فشارها بیشتر از همیشه شد به گونه‌ای که ما دیگر شاهد رقابت بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان نبودیم بلکه این بار دموکرات‌ها با شخص ترامپ در گیر بودند! با توجه به تمامی‌محاسنی که مطرح بوده، آیا دموکرات‌ها این توان را دارند که چرخش قدرت میان دموکرات – جمهوری خواه را بر هم بریزند و ترامپ را به عنوان یکی از معدود رؤسای جمهور تک دوره ای معرفی کنند؟!

قناد باشی: این مسئله را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد؛ از یک سو با توجه به کاندیداهایی که دموکرات‌ها معرفی کرده‌اند نظیر جو بایدن، سندرز، الیزابت وارن، و کاملا هریس می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که جناح رقیب جمهوری خواه برای قدم گذاشتن در یک انتخابات و ضروری قوی، آن چنان که باید و شاید از نظر کاندیدا و چهره موفق عمل نکرده است. با نگاهی به این چهار چهره شاخص، ما شخصیتی که کاربزمای خاصی داشته باشد یا برنامه‌ای که بتواند مردم آمریکا را برای کنار زدن ترامپ مجاب کند تاکنون مشاهده نکرده‌ایم. پس چنین به نظر می‌رسد که دموکرات‌ها تقریباً امیدی برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ ندارند.

به عنوان نمونه یکی از ویژگی‌های آقای ترامپ در رقابت‌های انتخاباتی برای غلبه بر رقبای از طریق سخنرانی‌هایی است که جذاب و تأثیرگذار است و اگر از همین منظر هم نگاه کنیم به نتیجه می‌رسیم که فعلا ترامپ بی‌رقیب است! موضوع بعدی که نباید از نظر دور داشت، مسن بودن کاندیداهای مورد نظر دموکرات‌ها است اگر چه ترامپ هم مسن است اما رقیب علاوه بر این که نامزدهای مسن را معرفی کرده در بین جوانان نیز نتوانسته چهره‌های شاخص و قابل قبول ارائه دهد. در این وضعیت ممکن باید گفت دموکرات‌ها نتوانستند فردی را نه به عنوان رقیب آقای ترامپ که به عنوان فردی که بتواند در جایگاه رئیس‌جمهور آمریکا ساکن کاخ سفید شود، معرفی کنند که در توضیحات تکمیلی باید گفت اگر دموکرات‌ها تغییری در نامزدها ایجاد نکنند یا در مدت زمان باقی مانده چهره‌هایی را به عرصه وارد کنند که توان روبروایی با آقای ترامپ را داشته باشند، می‌توان به این نتیجه رسید که دموکرات‌ها از هم اکنون عرصه انتخابات ۲۰۲۰ را به آقای ترامپ واگذار کرده‌اند.

موضوع قابل توجه دیگر اینکه آقای ترامپ بالاخره نتوانست با جینتال آفرینی‌ها، شعارها و عملکرد، بخش مهمی‌از مردم آمریکا را طرفدار نگاه دارد و در هر صورت رفتاری ضد مهاجرتی، مقابله با چین و روسیه و همچنین تقابل با ایران و نیز موفقیت نسبی در برنامه‌های اقتصادی به خودی خود رایگه برای بسیار خوبی را برای آقای ترامپ به وجود آورده است.

دموکرات‌ها به نظر من اگر خواسته باشند شکافی در دیوار موفقیت‌های حتی ظاهری آقای ترامپ ایجاد کنند باید حداقل در شعارهای خود تجدینظر کنند. ترامپ این روزها با ایندی چین و یا شاید نیمه ی بیشتر جهان درگیر است. دموکرات‌ها اگر می‌خواهند او را به زانو درآوردن باید با شعار «تعامل با جهان برای رسیدن به منافع اقتصادی» قدم در میدان گذارند. این یک پیشنهاد است در هر صورت تعاملی که منافع اقتصاد را حفظ کند می‌تواند سرمایه گذاران آمریکایی را برای ماندن در عرصه اقتصاد تشویق کند و به این باور برسند که با ادامه ریاست جمهوری ترامپ ممکن است یک دوره طلایی ۱۰ ساله را از دست بدهند.

❏ دموکرات‌ها علاوه بر اینکه باید در چهره‌های معرفی شده تجدینظر کنند باید حتماً به دنبال شعارهایی باشند که مردم آمریکا را متقاعد کند تا به دوران ترامپ پایان دهند

در غیر این صورت باید گفت تا ۲۰۲۴ سایه ترامپ بر آمریکا و جهان باقی خواهد ماند!

❏ هیلاری کلینتون شاید می‌توانست به عنوان نخستین رئیس‌جمهور زن در تاریخ ایالات متحده آمریکا به عنوان چهره‌ای تاریخ‌ساز مطرح شود. در رقابت‌های ۲۰۱۶ آمریکا اگر قانون بود شاید به گونه‌ای دیگر تدوین شده بود کترال حالا آرزوی دیرینه حداقل جامعه زنان آمریکا جانه عمل پوشیده بود. رقابت‌های خوبی بین ترامپ و هیلاری کلینتون وجود داشت. بسیاری از تحلیلگران آماده شده بودند تا یادداشت‌ها مقالاتی با موضوع نخستین رئیس‌جمهور زن در آمریکا را در رشته تحریر درآورد و حتی شاهد این بودیم



❏ دموکرات‌ها به نظر من اگر خواسته باشند شکافی در دیوار موفقیت‌های حتی ظاهری آقای ترامپ ایجاد کنند باید حداقل در شعارهای خود تجدیدنظر کنند. ترامپ این‌س روزها با نیمه‌از جهان و یا شاید نیمه ی بیشتر جهان درگیر است. دموکرات‌ها اگر می‌خواهند او را به زانو درآوردن باید با شعار «تعامل با جهان برای رسیدن به منافع اقتصادی» قدم در میدان گذارند. این یک پیشنهاد است در هر صورت تعاملی که منافع آمریکا را حفظ کند می‌تواند سرمایه گذاران آمریکایی را برای ماندن در عرصه اقتصاد تشویق کند و به این باور برسند که با ادامه ریاست جمهوری ترامپ ممکن است یک دوره طلایی ۴ ساله را از دست بدهند. دموکرات‌ها علاوه بر اینکه باید در چهره‌های معرفی شده تجدیدنظر کنند باید حتماً به دنبال شعارهایی باشند که مردم آمریکا را متقاعد کند تا به دوران ترامپ پایان دهند در غیر این صورت باید گفت تا ۲۰۲۴ سایه ترامپ بر آمریکا و جهان باقی خواهد ماند!

که جهان نیز این انتظار را از آمریکا داشت تا به عنوان یکی از جدی ترین مدافع حقوق زنان در جهان خود به رئیس‌جمهور شدن یک زن رأی مثبت بدهد و اما این اتفاق نیفتاد. سوآلی که در اینجا وجود دارد چرایی عدم حضور دیواره هیلاری کلینتون در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۰ آمریکا است باوجود اینکه می‌گوییم دموکرات‌ها چهره شاخص نذارند طبیعتاً هیلاری کلینتون به آسانی می‌توانست این ضعف را برطرف کند. به نظر شما اصلی‌ترین دلایل غیبت کلینتون در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۰ آمریکا چیست؟

قناد باشی: به نظر من تنها و تنها دلیل عدم حضور هیلاری کلینتون در انتخابات ۲۰۲۰، تشخیص شخصی ایشان است وگرنه بعید است مانعی برای حضور دیواره ایشان وجود داشته باشد. بالاخره عده‌هایی به صورت ظاهری در عنوان نقشه زمان برخی سخنرانی‌ها در ایشان دیده شد. نکته‌ای که اندکی دور از ذهن است اما می‌تواند مهم باشد آن است که شاید موضوعاتی در مورد برخی فعالیت‌های خانم هیلاری کلینتون به عنوان نقطه ضعف نزد ترامپ بوده باشد که دموکرات‌ها تشخیص دادند اگر هیلاری کلینتون قدم به عرصه گذارد ترامپ تخریب آن‌ها را یا شدت بیشتری دنبال می‌کند! اگر از این موضوعات به عنوان نخبه‌گرایی ناپذیرفتنی عبور کنیم، تنها دلیل، تشخیص شخصی خانم کلینتون برای عدم حضور در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۰ آمریکا است.

❏ با نگاهی به عرصه رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۰ آمریکا می‌بینیم انتخابات ریاست‌جمهوری دچار نوعی نخبه‌گریزی شده است. وجود چهره‌های مسن و کمتر شناخته شده، هم‌راهی که سالیان سال است در عرصه سیاست آمریکا تقریباً جایگاهی ندارند و… ما را به این فرض نزدیک می‌کند که شاید نخبه‌گرایی برای چهره‌های مطرح آمریک‌انگیزه‌ای برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی ایالات متحده آمریکا ندارند! کشوری که می‌خواهد

خودش را به عظمت و شکوه گذشته بازگرداند یا به نوعی عظمت آمریکا بودن را حفظ کند حداقل باید در عرصه رقابت‌های انتخاباتی چهره‌هایی را به جهان معرفی کند که مؤید و مثبت این شعار باشد در هر صورت وقتی به این نتیجه برسیم که نه در بین جمهوری‌خواهان و نه در بین دموکرات‌ها، اینک ایالات متحده آمریکا رقیبی که بتواند آقای ترامپ را از گردونه خارج کند وجود ندارد باید پذیرفت که عرصه سیاسی آمریکا حداقل در حوزه انتخابات ریاست جمهوری خالی تر از همیشه است. به عنوان یک تحلیلگر مسائل سیاسی برداشت شما از خالی شدن صحنه از حضور نخبگان، هنرمندان، چهره‌های مشهور، میلیاردرها، کارآفرین‌ها و صاحبان صنایع در انتخابات چیست؟

قناد باشی: توجه شما به این مسئله یا شاید درست اگر بگویم این ایراد شما

به مجموعه مدیریت سیاسی آمریکا بسیار وارد است! کشوری با بزرگترین دانشگاه‌ها که سالانه هزاران فارغ التحصیل نخبه را تحویل جامعه می‌دهد نباید متکی به یک جمع کوچک باشد پس باید به پشت پرده‌های این انتخابات دقت بیشتری کرد.

به نظر می‌رسد این نوع تعامل سیاسی در ایالات متحده آمریکا از دو حال خارج نیست، یک؛ پشتوانه‌های اقتصادی مهم و دو؛ لابی‌های تأثیرگذار مهینوستی!

از دیرنگام همیشه یک نظریه وجود داشته است که چهره‌های تعیین کننده در عین حال پشت پرده؛ اجازه نخواهند داد تا هر کسی وارد این عرصه شود. به تعبیر کامل تر، نامزدده‌های انتخاباتی باید از کاتال‌های خاصی عبور کنند تا بتوانند اجازه عرضه شدن و عرضه کردن پیدا کنند حال اگر جامعه نخبگان، ثروت آفرینان و چهره‌های تأثیرگذار علمی و فرهنگی را گریزان از پشت پرده‌های سیاسی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا معرفی کنیم، به خودی خود می‌توانیم به این نتیجه برسیم که جامعه نخبگان آمریکایی از پشت پرده‌های سیاسی موجود در رقابت‌های انتخاباتی آمریکا هراس دارند!

برای نمونه اگر به چهره‌های معرفی که اینک در کنار ترامپ قرار دارند نگاه کنیم شاخص ترین چهره مایک پمپئو نمایان می‌شود که یک نیروی اطلاعاتی است اما تأثیرگذار ترین دستگاه دیپلماتی آمریکا را یعنی وزارت امور خارجه را هدایت می‌کند. به طور طبیعی باید فهمید که عرصه سیاست همیشه هم عرصه نخبگان

و چهره‌های تأثیر گذار و تعیین کننده نیست!

به این مسئله می‌توان به عنوان یک معما نیز نگریست و این که چرا جامعه نخبگان، فرهیختگان علمی و هنری و نیز چهره‌های دانشگاهی و کارآفرین و ثروت آفرین قدم در عرصه رقابت‌های انتخاباتی نمی‌گذارند و باز هم باید بازگردیم به همان موضوع ترس، وقتی به سرنوشت خانم هیلاری کلینتون نگاه کنیم خود که در سازمان ملل عین گفته‌های بنیامین نتانیاهو را تکرار می‌کرد، کسی که کارشناس سیاسی بود ولی الان در عرصه سیاسی آمریکا جایگاهی ندارد و باید حق داد که همواره ترس‌های فراوانی با جریانات پیچیده و مبهم سیاسی عده‌ای را بر آن دارد تا وارد این عرصه نشوند. نکته دیگر بازمی‌گردد به سیاست‌های کلان ایالات متحده آمریکا که چندان با خط و مزربانی که ما در حال بررسی و کشف آن هستیم همخوانی نداشته باشد. به هر حال کسانی هستند که برای ایالات متحده تصمیم می‌گیرند و تصمیمات آن‌ها خیلی در قالب فرمول‌های علمی نمی‌گنجد.

❏ با نگاهی به مناظره‌های انتخاباتی در رقابت‌های ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا شاهد چند پارگی و چنددستگی برنامه‌ها و خواسته‌ها هستیم. جدای از مسئله ایران که

دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۸ ● شماره ۵۵۳۲

آفتاب

aftab.yz@gmail.com

مسئله خاص ایالات متحده آمریکا است. همانطور که مسئله ایالات متحده آمریکا مسئله خاص جمهوری اسلامی ایران است به طور طبیعی موضوعاتی در سطح جهان وجود دارد که می‌تواند به عنوان درگیری‌های انتخاباتی و اهرم‌هایی برای رأی جمع کردن محسوب شود و با چالش‌هایی که برای از صحنه به در کردن رقبا مورد استفاده قرار گیرد. موضوع خاورمیانه، تقابل یا تعامل با چین، چگونگی برخورد با روسیه، چگونگی برخورد با اتحادیه اروپا و به طور مشخص کشورهایی مثل انگلستان، آلمان و فرانسه که برخی متحدان قسم خورده ایالات متحده آمریکا هستند و برخی کج دار و مریز با آمریکایی‌ها رابطه دارند و… به نظر شما اهم موضوعاتی که می‌تواند به عنوان موضوعات مهم در رقابت‌های انتخاباتی ایالات متحده آمریکا مدنظر قرار گیرد، چیست؟

قنادباشی: پرنرنگ‌ترین مسئله‌ای که دموکرات‌ها دنبال خواهند کرد، نهادینه کردن این مسئله است که باقی ماندن ترامپ در عرصه ریاست جمهوری یعنی شکست ایالات متحده آمریکا و اما به طور کلی شعارهای انتخاباتی رقابت‌های ریاست جمهوری ۲۰۲۰ از دو حال خارج نیست شعارهایی که به طور مستقیم به بودن و نبودن ترامپ در صحنه مربوط می‌شود.

یک دسته از شعارها کمک می‌کند تا ترامپ در موضع ضعف قرار بگیرد و یک دسته از شعارها باعث می‌شود تا ترامپ مواضع قدرتمندانه‌تری اتخاذ کند. از نگاه دیگر، رقابت‌های انتخاباتی بخشی جنبه درونی دارد و بخشی جنبه بیرونی همین الان هم در بین نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا دو دستگی‌هایی دیده می‌شود مثلاً در مورد چین بخشی چین را دشمن آمریکا می‌دانند و بخشی دیگر این اعتقاد را ندارند در مورد ایران البته این دو پارگی به این وضوح دیده نمی‌شود اما موضوع ایران همواره موضوع مهمی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بوده و مورد بهره برداری قرار گرفته است

در موضوعات داخلی می‌توان بحث امنیت، بحث مهاجرین، بحث مالیات گرفتن از ثروتمندان و کمک به فقرا، سر و سامان دادن به وضعیت بهداشتی و رفاه اجتماعی آمریکایی‌ها و مسائلی که کمک کند تا آمریکا همچنان در اوج عظمت و درخشندگی باقی بماند، اشاره کرد.

در عرصه سیاست خارجه مسائل آمریکا کاملاً مشخص است و بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها تفاوت چندانی در اصل موضوع وجود ندارد و اگر هم تفاوتی دیده می‌شود بیشتر به روش‌ها برمی‌گردد و نه تفکرات. موضوع ایران، موضوع خاورمیانه، مسأحه همچون افغانستان، سوریه و یمن همیشه جنجالی روسیه و تعاملات و تقابل‌هایی که می‌توانند با کشور چین داشته باشند و بحث‌های گسترده‌ای در مورد اتحادیه اروپا و سه کشور انگلستان، آلمان و فرانسه در کنار مباحث مهم اقتصادی که همیشه مدنظر بوده می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین موضوعاتی که در رقابت‌های انتخاباتی مدنظر قرار می‌گیرد، بیان کرد. بخش‌های دیگری از رقابت‌های انتخاباتی بیشتر جنبه شو دادر!

افشاگری‌ها، محکوم کردن‌ها و مواردی از این دست که برای اندیشمندان آمریکایی از درجه اعتبار بسیار پایینی برخوردار است نمونه‌های بسیار رشت این موضوع بود که در رقابت هیلاری کلینتون و ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا به شدت مشاهده شد.

❏ ساختار و مدل سیاسی ایالات متحده آمریکا این اجازه را به اشخاصی بیرون از رقابت‌های انتخاباتی خواهد داد تا بر چهره‌های پیروز یا بازنده تأثیر مستقیم بگذارند. اگر خواسته باشیم بیشتر این سوال را دچار روشکافی کنیم برای مثال آدم‌های سیاسی مانند اوباما یا هیلاری کلینتون یا چهره‌هایی که در عرصه سیاست آمریکا به عنوان چهره‌های با تجربه شناخته می‌شوند یا در جامعه نظر پره‌راران مثلاً نوام چامسکی و دیگرانی از این دست آیا می‌توانند بر روند انتخابات تغییر ناگهانی ایجاد کنند و یا بر نتیجه انتخابات ایالات متحده آمریکا تأثیر بگذارند؟

قنادباشی: ساختار سیاسی و حزبی آمریکا عملاً در پاسخ به سؤال شما خواهد گفت نه! انتخابات ایالات متحده آمریکا یک پرسوسه زمان بر، پیچیده و کاملاً مبتنی بر اصول حزبی است فلذا چنین مسائلی که شما مطرح کرده اید عملاً بدون تأثیر خواهد بود!

اگر چه متقدم اشخاص هیچ تأثیر آنی بر نتیجه انتخابات ایالات متحده آمریکا نخواهند گذاشت یعنی این توانایی را ندارند و ساختار حزبی این اجازه را به آن‌ها نخواهد داد ولیکن، برخی اتفاقات می‌تواند حتی در آخرین لحظات بر نتیجه انتخابات ایالات متحده آمریکا تأثیر بگذارد. برای نمونه موضوع تفکیش ایرانی که در تنگه جبل القریه مصادره شده بود اگر در زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شبیه این مسئله رخ بدهد و اتفاقاتی بین ایران و آمریکا بیفتد که موضوع جمهوری خواهان یا دموکرات‌ها را تقویت کند به خودی خود بر روند پیروزی و عدم پیروزی یکی از دو نامزد قطعاً تأثیر خواهد گذاشت البته این یک مثال بوده، منظور اتفاقاتی است که جامعه سیصد میلیونی آمریکا را تحت تأثیر قرار دهد.

❏ با توجه به سیستم انتخاباتی کنترال آمریکا در موضوع انتخاب رئیس‌جمهور و ساختار کاملاً حزبی و بسیار پیچیده‌ای که این ساختار دارد به نظر شما چه نقاط مشترک و چه نقاط اختلافی بین انتخابات ریاست جمهوری در ایران و انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده آمریکا وجود دارد؛ با این توضیح که خواسته باشیم با نخواستن باشیم سیه ایران بر انتخابات آمریکا مسلط‌ای غیر قابل انکار است. ایرانی‌ها می‌توانند مباحثه فکر هستند که بالاخره با آمریکا چه رفتاری در پیش بگیرند و آمریکایی‌ها هم همیشه به این موضوع فکر می‌کنند که بالاخره با موضوعی به نام ایران چه کنند. حال اگر این فرض را بپذیریم که مدل سیاسی ایران و آمریکا در مواردی بسیار شبیه به هم است! انتخابات ریاست جمهوری ایران و آمریکا چه نقاط اشتراکی و چه نقاط اختلافی با هم دارد؟

قناد باشی: اگر خواسته باشیم اشتراک‌ها را بررسی کنیم رئیس‌جمهور در ایران اگرچه تأثیرات آن چنانی در اتخاذ سیاست‌های خارجی و بین المللی به مفهوم تأثیرگذاری مستقیم ندارد اما فردی که در ایران به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود تأثیرات بیرونی فراوانی دارد و به تعبیر ساده تر انتخاب یا عدم انتخاب یک شخص به عنوان رئیس‌جمهور در ایران و آمریکا می‌تواند به استیارت و سیاست‌گذاری‌های بین المللی تأثیرگذار باشد. به عبارتی دیگر، استیارت رئیس‌جمهور در ایران و آمریکا برای دیگران اهمیت بیشتری دارد زیرا بر مناسبات بین المللی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

اگر از نقاط اشتراکی عبور کنیم مواردی در انتخابات آمریکا و ایران وجود دارد که می‌تواند تفاوت‌های این دو انتخابات را بیش از پیش نمایان کند. به عنوان نمونه رزمی‌به نام اسرائیل تأثیر بسیار زیادی بر نوع انتخاب رئیس‌جمهورها در ایالات متحده آمریکا دارد که می‌توان به دخالت یک کشور در سیاست‌های کشور دیگر از آن نام برد. خب! طبیعتاً این گونه موارد برای جمهوری اسلامی ایران حداقل معنا و مفهومی ندارد موضوع دیگری که موضوع اختلاف است اما این کاش ما نیز مثل آمریکایی‌ها در انتخاب رئیس‌جمهورها اختلاف می‌کردیم دوران یک ساله ای است که یک فرد برای رئیس‌جمهور شدن در ایالات متحده آمریکا طی می‌کند به گونه ای که می‌توان گفت یک فرد در گردونه انتخابات ریاست جمهوری در یک سال به صورت امتحانی رئیس‌جمهور می‌شود و در کارگروه‌ها و اتاق فکرهای احزاب مختلف به اندازه کافی صیقل خواهد خورد و با موانع و مشکلات و نحوه کشورداری به صورت کامل آشنا خواهد شد. به تعبیر دیگر یک فرد در ایالات متحده آمریکا به آسانی ساکن کاخ سفید نمی‌شود اما در ایران با چهره‌های ناگهانی طرف هستیم که یک دوره بسیار کوتاه بر سر زبان‌ها می‌آفتند بعد در انتخابات شرکت می‌کنند و پیروز می‌شوند و به تعبیری یکی شبه به عنوان رئیس‌جمهور معرفی می‌شوند در صورتی که نه تجربیات لازم را دارند و نه به اندازه کافی با زیر و بم مدیریت سیاسی در آن سطح کلان آشنا هستند. از این نظر باید گفت که آمریکایی‌ها برای انتخاب ریاست جمهوری مدل موفق تری را در پیش رو دارند که ما نداریم و این یک عیب بزرگ است!

ادامه در صفحه ۱۱